

راهبرد آمریکا در منطقه ایندوپاسیفیک و تأثیر آن بر روابط هند و چین^۱

سعید جمشیدی*

محمد رضا دهشیری**

چکیده

این مقاله با بهره‌گیری از نظریه ثبات هژمونیک در صدد پاسخگویی به این پرسش بوده است که «راهبرد آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چگونه بر مناسبات دو کشور هند و چین اثر گذاشته است». نویسندگان با روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه را مورد آزمون قرار داده‌اند که ایالات متحده آمریکا از رهگذر بالا بردن وزنه هند در منطقه ایندوپاسیفیک و تلاش برای مهار چین در صدد تداوم هژمونی خود در این منطقه برآمده است؛ زیرا باور داشته که چین تهدیدی نزدیک و هند تهدیدی دور دست به شمار می‌رود. بر این اساس و با این اندیشه که هند به‌عنوان قدرت متوسط در آینده ظرفیت به چالش کشیدن منافع آمریکا را در منطقه مزبور ندارد، در صدد کنترل چین از طریق تقویت هند برآمده است. نگارندگان این مقاله ضمن تبیین نظریه ثبات هژمونیک و تشریح سیاست آمریکا در منطقه ایندوپاسیفیک به تجزیه و تحلیل تأثیر آن بر سیاست‌ها و مناسبات هند و چین پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ایندوپاسیفیک، ثبات هژمونیک، ایالات متحده آمریکا، رژیم‌های

بین‌المللی

۱. این مقاله از رساله دکتری سعید جمشیدی به راهنمایی دکتر محمد رضا دهشیری (دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل)، مشاوره دکتر گارینه کشیشیان (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی) و دکتر نوذر شفیعی، استادیار دانشگاه اصفهان، استخراج شده است.

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد تهران جنوب، واحد بین‌الملل کیش؛

Saeid_jam2009@yahoo.com

** دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل (نویسنده مسئول)؛ mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۲۲۹-۲۰۳

مقدمه

منطقه «ایندوپاسیفیک»^۱، یکی از پرچالش‌ترین مناطق جهان، با جمعیتی بالغ بر سه میلیارد نفر، مهم‌ترین قطب دموگرافیک جهان به شمار می‌آید. رشد قابل ملاحظه اقتصادی، وجود نظام‌های گوناگون و بحران‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باعث شده تا این منطقه در زمره مناطقی محسوب شود که ایالات متحده آمریکا در صدد بسط نفوذ و در نتیجه تثبیت هژمونی خود در آن برآمده است. این قدرت هژمون تلاش کرده تا بر اساس ماهیت وجودی خود، از رشد رقبای موازنه‌گر جلوگیری کند. در منطقه ایندوپاسیفیک کشورهای هند و چین به‌عنوان دو قدرت رو به رشد، جایگاهی راهبردی در سیاست خارجی و امنیتی آمریکا دارند. این دو کشور، ضمن رقابت اقتصادی با یکدیگر، در قالب اتحادهای مقطعی و بلندمدت بستر حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای را در این منطقه فراهم کرده‌اند؛ موضوعی که با وجود گسیل سرمایه و انواع تکنولوژی‌ها، شرایط مناسبی را برای حضور هرچه بیشتر بازیگران بین‌المللی در منطقه ایجاد نموده است.

از آنجایی که ایالات متحده آمریکا، در این حوزه تهدیداتی را متوجه خود می‌داند، به‌ویژه در آغاز هزاره سوم و در پی واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حضور در این منطقه و ایجاد ائتلاف با کشورهای این حوزه جغرافیایی را برای کنترل رقبای موازنه‌گری که ظرفیت به چالش کشیدن تداوم هژمونی این کشور را دارند، در دستور کار قرار داده است. رویکرد مزبور منافع سایر بازیگران را در منطقه، تهدید کرده و بر پیچیده شدن معادلات امنیتی افزوده است.

این مقاله با بهره‌گیری از نظریه ثبات هژمونیک درصدد پاسخگویی به این پرسش است که «راهبرد آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چگونه بر مناسبات دو کشور هند و چین اثر گذاشته است؟» نویسندگان با روش کیفی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای این فرضیه را مورد آزمون قرار داده‌اند که ایالات متحده آمریکا از رهگذر بالا بردن وزنه هند در منطقه ایندوپاسیفیک درصدد مهار چین و تداوم هژمونی خود در این منطقه برآمده است؛ زیرا باور داشته که چین تهدیدی نزدیک و هند تهدیدی دور دست به شمار می‌رود. بر این اساس و با این ذهنیت که هند به‌عنوان قدرت متوسط در آینده ظرفیت به چالش کشیدن منافع آمریکا را در منطقه مزبور ندارد، از طریق تقویت هند، درصدد کنترل چین برآمده است. در این مقاله تلاش می‌شود نخست نظریه ثبات هژمونیک تبیین و سپس سیاست آمریکا در منطقه ایندوپاسیفیک تشریح شود و در ادامه تأثیر آن بر سیاست‌ها و مناسبات هند و چین مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱. چارچوب نظری

نظریه «ثبات هژمونیک» برآمده از دیدگاه‌های «رابرت گیلپین»^۱ است. وی با بهره‌گیری از نظریات «کوهن» و «چارلز کیندل برگر» کوشید تا ضمن توضیح ثبات هژمونیک به شرایط تفوق قدرت هژمون در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل بپردازد. تلاش قدرت هژمون آن است که با حفظ تفوق در زمینه‌های مختلف از رهگذر ایجاد قواعد و رژیم‌های قدرتمند بین‌المللی و وادار کردن سایر کنشگران به رعایت آن قواعد، ثبات و تعادل سیستم را حفظ کند (Gilpin, 1987, p 43).

گیلپین با تأثیرپذیری از اندیشه سیاسی «آنتونیو گرامشی» (راشی تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۵) به تشریح وضعیت و شرایطی در نظام بین‌الملل می‌پردازد که در آن ثبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی بین‌الملل تحت زعامت و رهبری قدرتی بلامنازع برقرار می‌شود. در چنین شرایطی قدرت هژمون افزون بر برخورداری از توانمندی‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باید از «اراده» و «تمایل» لازم برای اعمال هژمونی در نظام بین‌الملل بهره‌مند باشد. همچنین قدرت هژمون با

1. Robert G. Gilpin

ارائه «کالایی عمومی» همچون امنیت، تجارت آزاد و ایمن و الگوی فرهنگی برتر درصدد است تا کشورها را در پذیرش فرمان برداری از خود به کرنش وادارد. نظریه «ثبات هژمونیک» بر این دیدگاه استوار است که تحقق رژیم های اقتصادی باثبات به اراده قدرت هژمون بستگی دارد؛ زیرا قدرت هژمون با بهره گیری از توانایی خویش، برای نظارت بر عملکرد کنشگران متوسط و بزرگ، به ایجاد هنجارها و مقررات بین المللی مبادرت می نماید. ترغیب سایر بازیگران برای همکاری تحت هدایت قدرت هژمون مستلزم آن است که قدرت هژمون برای ایجاد ساختاری از انگیزه ها اقدامات مثبتی را انجام دهد؛ ساختاری که پایین ترین سطح سلسله مراتب قدرت از مزایای آن بهره مند شوند و در نظام هنجاری موجود اعضا را با خود همسو نگه دارد. به منظور احراز موقعیت هژمون، یک قدرت هژمون باید برای اجرای مقررات و تعهدات بین المللی توانایی و اراده کافی داشته باشد. این توانایی ها عبارت اند از: «تسلط در فناوری یا اقتصاد پیشرفته، برخورداری از یک اقتصاد رو به رشد و حمایت از قدرت سیاسی از طریق نظامی» (جلالی، ۱۳۸۸، صص ۷۷-۵۳).

در روند شکل گیری نظام مبتنی بر ثبات، هژمون با داشتن مزیت فناوری نسبت به سایرین، ضمن جست و جوی بازارهای جدید برای صادرات، خواهان نوعی نظام باز تجاری با محوریت خود نیز است. به همین دلیل دولت هژمون این اجازه را به سایر دولت ها می دهد تا از منافع منتفع گردند که هژمون برای آن ها به صورت کالای عمومی فراهم می کند (ساعی و پیلتن، ۱۳۹۰).

از آنجا که سیاست قدرت هژمون در جهت تحکیم هژمونی اقتصادی این کشور است، قدرت هژمون با استفاده از قابلیت های نظامی و نفوذ هژمونیک خود به ایجاد و حفاظت از هنجارها و قواعد نظم اقتصادی لیبرال و تقویت جریان آزاد فعالیت های اقتصادی در سطح بین الملل مبادرت می کند تا از بی ثباتی های پولی، مالی و تجاری جلوگیری نماید. در نتیجه، بزرگ ترین دغدغه قدرت هژمون حفاظت یا تقویت موقعیت و قدرت خود در عرصه جهانی برای انتفاع از ساختار تجاری موجود در نظام اقتصادی بین الملل است. قدرت هژمون در تنظیم فرایند

همکاری یا عدم همکاری خود با دیگران، همواره بر سطح دستاوردهای نسبی از رهگذر جریان آزاد و روان انرژی، تأمین امنیت کریدورها و گذرگاه‌های راهبردی، پشتیبانی از نظام اقتصادی، ارزش‌های جهان‌شمول و توانایی رژیم‌سازی در نظام بین‌الملل تمرکز دارد (قنبرلو، ۱۳۸۵، صص ۸۹۹-۸۵۸).

در این رهگذر، گیلپین همانند «رابرت ماندال»^۱ معتقد است که ثبات قدرت پولی بین‌المللی به حضور یک قدرت مسلط بستگی دارد (گیلپین، ۱۳۸۷، صص ۱۱۴-۱۱۶). از آنجا که حفظ ثبات بین‌المللی و رونق اقتصاد آزاد، در چارچوب نظریه ثبات هژمونیک منوط به وجود یک قدرت مسلط و غالب است، این قدرت غالب باید بتواند نوعی رهبری بلامنازع را در سراسر جهان اعمال کند. با این استدلال قدرت هژمون با وادار کردن سایر بازیگران به تبعیت از اصول و قواعدی که رژیم‌های مدنظر او ایجاد کرده، ثبات جهانی و تداوم اقتصاد آزاد را در چارچوبی قاعده‌مند فراهم می‌آورد.

با این استنباط، دولت هژمون از توانایی اقتصادی برتر خود به دو صورت مثبت و منفی استفاده می‌کند. بخش مثبت آن باز گذاشتن بازارهای خود به روی سایر بازیگران و اجازه استفاده از رژیم‌های ایجادشده توسط اوست و بخش منفی آن محروم کردن بازیگران غیرهمسو از بازارهای خود با در نظر گرفتن اقدامات تنبیهی شامل تحریم‌های یک و چندجانبه و یا وضع عوارض گمرکی بر کالاها و خدمات کنشگران غیرهمسو است!

بنابراین قدرت هژمون درصدد است با استفاده از مکانیزم‌های کنترلی از بحران‌های احتمالی جلوگیری کرده، با تقویت قدرت‌های متوسط، قدرت‌های در حال خیزش را مهار نماید. از نظر گیلپین، قدرت هژمون به جنگ تجاری با قدرت‌های اقتصادی رقیب مبادرت می‌کند؛ به همین دلیل با تلاش برای ساخت رژیم‌های بین‌المللی در راستای منافع خود، به حفظ نظام و یا تغییر نظام‌مند در نظام بین‌الملل می‌پردازد. قدرت هژمون درصدد است همواره مراقب موقعیت اقتصادی خود در مواجهه با خیزش قطب‌های اقتصادی رقیبی باشد که در آینده‌ای

1. Robert Alexander Mundell

نزدیک هژمونی اقتصادی آن را به چالش خواهند کشید، برای همین با مداخله‌گرایی ترجیحاً در بعد اقتصادی سعی می‌کند دستاوردهای نسبی خود را ارتقا داده، با حمایت‌گرایی از قدرت‌های متوسط در مقابل قدرت‌های بزرگ نوظهور به حفاظت و تقویت نقش رهبری اقتصادی و امنیتی خود بپردازد (Gilpin, 1981, p 42).

بر این اساس، نظریه ثبات هژمونیک از قابلیت لازم برای تفسیر سیاست موازنه‌گرایانه اقتصادی ایالات متحده در منطقه ایندوپاسیفیک برای مهار قدرت در حال خیزش چین از رهگذر تقویت قدرت متوسط هند و با بهره‌گیری از قدرت هنجاری رژیم‌های تجاری و امنیتی بین‌المللی برخوردار است.

۲. سیاست آمریکا در منطقه ایندوپاسیفیک

ایالات متحده برای تداوم نظام هژمونی مطلوب خویش در منطقه ایندوپاسیفیک و مهار قدرت روزافزون چین، مجموعه‌ای از سیاست‌هایی را به اجرا گذاشته است که نظام بین‌الملل و مناسبات هند و چین در منطقه ایندوپاسیفیک را به‌طور خاص تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. ایالات متحده، چین را «سهام‌داری نامسئول»^۱ در نظام بین‌الملل می‌داند که حاضر به پذیرش هزینه‌های برخورداراری از نظم و ثبات موجود برخاسته از هژمونی ایالات متحده نیست؛ از این رو باید مهار شود! (Luft, 2016, p 37).

از طرفی هندوستان، دیگر قدرت نوظهور پس از جنگ سرد، در سایه رشد اقتصادی داخلی و همگرایی با غرب توانسته در قامت بازیگری جدی در صحنه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ادعای سهم‌خواهی بیشتری کند. همچنین هندی‌ها با احساس خطر از آنچه آن را «محاصره راهبردی چینی‌ها از دریا و خشکی می‌دانند»، در چارچوب سیاست نگاه به شرق در صدد برآمده‌اند تا با همراهی ایالات متحده و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای، علیه برنامه‌های چین قد علم کنند؛ برنامه‌هایی که به پشتوانه رشد اقتصادی بالای این کشور، شتاب گرفته است!

چنین شرایطی سبب شکل گرفتن «مثلث راهبردی امنیتی» پیچیده‌ای در سطح

1. irresponsible stakeholder

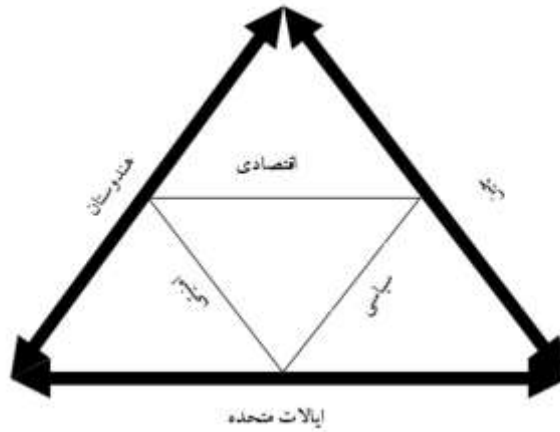
منطقه ایندوپاسیفیک شده است که در آن ایالات متحده در قامت هژمون سنتی، به همراه هندوستان، قدرتی نوظهور با قابلیت تبدیل به قدرتی برتر با یکدیگر هم‌آوا شده‌اند تا نسبت به برنامه‌های اقتصادی، امنیتی، تجاری، مالی و دریایی چین، در قامت هژمونی نارس در منطقه ایندوپاسیفیک مقابله کنند (نمودار شماره ۱). بالطبع، چگونگی برخورد با چالش نامتقارن ژئواکونومیک، نظامی و دیپلماتیکی چین، نظم و ثبات در ایندوپاسیفیک را در دهه‌های پیش رو رقم خواهد زد و مشخص خواهد کرد که دنیا به‌طور کل و ایندوپاسیفیک به‌طور خاص، پا به دوران «صلح چینی»^۱ خواهد گذارد و یا «صلح آمریکایی»^۲ را ادامه خواهد داد (Malik, 2016).

در این مثلث، ایالات متحده، چین و هندوستان به ترتیب برای حفظ یا به دست آوردن برتری در منطقه ایندوپاسیفیک در حال تجدیدقوا و یارگیری منطقه‌ای هستند. در چنین شرایطی، مناسبات چین - ایالات متحده - هندوستان ترکیبی از همکاری، رقابت و احتمالاً تضاد و درگیری خواهد بود که البته بازیگران اصلی صحنه ایالات متحده و چین هستند. هندوستان ضلع ضعیف‌تر مثلث به دلیل اشتراکات منافع اقتصادی، تجاری، امنیتی و ارزش‌هایی چون دموکراسی و طرفداری از اقتصاد لیبرال و دریانوردی آزاد به‌ویژه در دریای چین جنوبی با ایالات متحده هم‌پیمان شده و به‌عنوان «نماینده»^۳ این کشور عمل می‌کند؛ هرچند برخی آمارها نشان می‌دهد که هند در دهه‌های اخیر قابلیت تبدیل شدن به دومین اقتصاد جهان را دارد.^(۱)

اکنون برای درک بهتر این مثلث امنیتی شکل گرفته، به بررسی روابط دوجانبه سه بازیگر عمده ایالات متحده، چین و هندوستان پرداخته می‌شود و در ادامه فضای امنیتی حاکم بر آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

-
1. Pax Sinica
 2. Pax America
 3. pivot

نمودار ۱. مثلث امنیتی راهبردی در منطقه ایندوپاسیفیک



منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۱. روابط هند / ایالات متحده - چین

شاید بتوان نخستین اقدام مشترک ایالات متحده و هندوستان در برابر ابتکار عمل چینی‌ها را در سال ۲۰۱۴ جستجو کرد. در آن سال آمریکایی‌ها با هدف ارتقای صلح، ثبات و رونق در منطقه جنوب و جنوب شرق آسیا ابتکار «کریدور اقتصادی ایندوپاسیفیک»^۱ را ارائه کردند. این ابتکار عمل قرار است با همکاری قدرت‌های اقتصادی منطقه از جمله هندوستان و ژاپن اجرا شود. دورنمای این طرح بر توسعه زیرساخت‌های سخت‌افزاری، همگرایی بازرگانی، بازارهای انرژی و همچنین تماس‌های مردم-مردم استوار است. محورهای اساسی این ابتکار عمل عبارت‌اند از:

- افزایش ارتباط‌پذیری اقتصادهای منطقه؛
- پیشبرد رشد اقتصادی و تجارت منطقه جنوب آسیا؛
- افزایش رقابت‌پذیری بخش خصوصی در منطقه با تسهیل فضای کسب‌وکار؛
- مشارکت بیشتر بخش خصوصی در موضوعات اقتصادی به ویژه تجارت

1. Indo-Pacific Economic Corridor (IPEC)

منطقه‌ای در جنوب و جنوب شرق آسیا؛

➤ تشویق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای بین جنوب و جنوب شرق آسیا؛

➤ مشارکت با نهادهای مالی منطقه‌ای و بین‌المللی (USAID, 2017).

دولت هندوستان نیز با در پیش گرفتن عمل‌گرایی در سیاست خارجی، بدبینی‌ها را نسبت به رفتار مقامات آمریکایی کنار گذاشت؛ حتی رفتار این کشور با شخص «مودی»^۱ را که در سال ۲۰۰۲ وزیر ایالت گجرات بود و به اتهام خشونت مذهبی به او روایت و ورود به خاک آمریکا را ندادند. این کشور با طرح سیاست اقدام در شرق، نقش «تأمین‌کننده مطلق امنیت»^۲ در منطقه ایندوپاسیفیک را بر عهده گرفت. مودی برخلاف پیشینیان خود از سیاست عدم تعهد در همراهی با کشورهای جهان سوم روی گردانده، چراکه با مشاهده اختلافات مرزی حل‌نشده، دادوستدهای گسترده نظامی چین و پاکستان، گشت‌زنی زیردریایی‌های هسته‌ای چین در خلیج بنگال، حیاط خلوت آن، عدم تعهد دیگر معنای ژئوپلیتیکی خود را در دنیای کنونی از دست داده است (Luft, 2016, p 34).

در دوران مودی، برای نخستین بار از رئیس‌جمهور ایالات متحده دعوت شد تا در ژانویه ۲۰۱۵ به‌عنوان مهمان ویژه در سالروز جمهوری هند شرکت کند. مودی در دیدار با باراک اوباما در این سفر با خرسندی از روابط رو به گسترش دو کشور اظهار کرد: «برای مدت‌های طولانی دو کشور به یکدیگر از دریچه اروپا و اقیانوس اطلس نگاه می‌کردند؛ اما وقتی ما به سوی شرق نگاه می‌کنیم، سواحل غربی ایالات متحده را می‌بینیم». رهبران دو کشور همچنین دیدگاه راهبردی مشترکی^۳ را برای همکاری در امور منطقه‌ای منتشر کردند. در این سند آمده است: «برای پشتیبانی از همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، ما از ارتباط‌پذیری پیشرو در زیرساخت‌ها و توسعه اقتصادی پشتیبانی خواهیم کرد، با این هدف که جنوب، جنوب آسیا و آسیای مرکزی از طریق خطوط انتقال انرژی و گسترش تجارت آزاد و تماس مردم-مردم با یکدیگر پیوند داده شوند. رونق و شکوه منطقه مستلزم

1. Narendra Damodardas Modi

2. net security provider

3. Joint Strategic Vision

امنیت است. بر همین اساس، ما بر اهمیت تأمین امنیت دریانوردی و اطمینان بخشی از آزادی دریانوردی در سراسر منطقه مبتنی بر کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها به‌ویژه دریای چین جنوبی تأکید می‌کنیم» (Narendra Damodardas Modi, 2015). این سند به‌روشنی نشان می‌دهد که هندوستان ابایی از همراهی ایالات متحده در دفاع از آزادی دریانوردی و تجارت آزاد در منطقه در برابر چین ندارد!

با روی کار آمدن دونالد ترامپ، نامطمئنی جدیدی در روابط سه کشور هند، چین و ایالات متحده به وجود آمد. درحالی‌که هندوستان از موضع‌گیری‌های ترامپ در دوران انتخابات علیه چین استقبال می‌کرد، خروج این کشور از همکاری ترانس پاسیفیک^۱ و تزلزل ترامپ درباره سیاست چین واحد، هندی‌ها را نسبت به نیات ایالات متحده در قبال چین دچار شک و تردید کرد؛ اما با گذشت یک سال از ریاست جمهوری ترامپ و راهبردی که به جهت مهار چین در پیش گرفته است، هند از توجه ویژه ایالات متحده به آن کشور برای شکل‌دهی به موازنه قوا در آسیا به گرمی استقبال کرد و از تصمیم دولت ترامپ برای تداوم جایگزینی اصطلاح «ایندوپاسیفیک» با اصطلاح نام‌آشنای «آسیا- پاسیفیک»^۲ ابراز رضایت کرد. دهلی‌نو بیان این سخن ترامپ را مبنی بر اینکه پیشینه صدسال ارتباطات دو کشور، زمینه لازم را برای ایجاد مناسبات راهبردی فراهم ساخته، نشانه تحکیم این مناسبات دانسته است (Alyssa Ayres, 2019).

۲-۱-۱. تأثیرات نظامی

ایالات متحده پس از روسیه دومین شریک هند در زمینه همکاری‌های نظامی است. همکاری‌های دفاعی- امنیتی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری هندوستان و ایالات متحده، برای موازنه‌گری در برابر چین به شمار می‌رود. نگرانی‌های امنیتی در قبال چین از سال ۲۰۰۹ جدیت بیشتری به خود گرفت است؛ از زمانی که دو

1. Trans-Pacific Partnership

2. Asia-Pacific

کشور چارچوب گفت وگوهای آسیای شرقی^۱ را راه انداختند و با پیوستن ژاپن به آن، سطح گفت وگوها را به سطح وزرا ارتقا دادند و در رزمایش‌های نظامی- دریایی مشترک شرکت کردند. «رکس تیلرسون»، وزیر پیشین خارجه ایالات متحده در جریان دیدار از هندوستان در اکتبر ۲۰۱۸ این همکاری‌ها را بدیلی برای ابتکار عمل کمربند- جاده دانست. تیلرسون در سخنرانی خود، تهدیدات و تعهدات مشترک دو کشور در منطقه ایندوپاسیفیک را ثبات و امنیت دریانوردی و مبارزه با تروریسم، دزدی دریایی در منطقه و همچنین مهار قدرت‌نمایی چین برشمرده و افزود دو دموکراسی بزرگ باید دو ارتش بزرگ داشته باشند که این البته تنها به نفع آن‌ها نیست، بلکه منافع دیگر کشورها نیز لحاظ شده است. او همچنین با اشاره به نقش محوری هند در تأمین امنیت و ثبات منطقه اظهار کرد: «برگزاری عملیات «مالابار» با حضور ایالات متحده، ژاپن و هندوستان در اقیانوس هند مثال بارزی از همکاری‌های سه کشور دموکرات در منطقه است» (Rex Tillerson, 2017).

هندوستان با در اختیار داشتن چهارمین ارتش قدرتمند جهان به لحاظ قدرت نیروها و پنجمین دارنده بودجه نظامی بالا در دنیا تلاش می‌کند با افزایش و تعمیق پیوندهای امنیتی خود با ایالات متحده موازنه امنیتی منطقه را به نفع خویش سنگین نماید. رفع تحریم‌های تسلیحاتی ناشی از آزمایش‌های هسته‌ای دهه ۱۹۷۰ توسط «جرج بوش» پسر در ۲۰۰۵ و به دنبال آن جلب حمایت باراک اوباما در پیوستن به دو باشگاه بزرگ جهانی «گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای»^۲ و همچنین رژیم کنترل فناوری موشکی^۳ در ۲۰۱۶ را که به دلیل کارشکنی‌های چین تنها توانست در رژیم کنترل فناوری موشکی بپیوندد، می‌توان نقطه عطفی در افزایش توان بازدارندگی خویش و همچنین معرفی دوفاکتوی خود به‌عنوان قدرت هسته‌ای دانست (Ali, 2017, p 126).

سفر اوباما به دهلی نو در ۲۰۱۵ دستاوردهای امنیتی و دفاعی مهمی برای هر

1. East Asia dialogue
2. Nuclear Suppliers Group (NSG)
3. Missile Technology Control Regime (MTCR)

دو کشور به همراه داشت که از آن جمله می‌توان تمديد همکاري دفاعی مشترک سال ۲۰۰۵، انعقاد موافقت نامه همکاري بلندمدت نظامی میان دو کشور که دربرگیرنده همکاري‌های آموزشی، لجستیکی، انتقال دانش ساخت تجهیزات پیشرفته نظامی و همچنین دسترسی آمریکایی‌ها به تأسیسات نظامی آن کشور می‌شد (Press Information Bureau of Ministry of Defense, 2016).

در واقع هندوستان در حال بهره‌گیری از کمک‌های فنی و اقتصادی ایالات متحده در جهت پیشی جستن از چین برای برتری در منطقه است. این کشور با خرید بیش از ۱۴ میلیارد دلار تجهیزات نظامی مانند هواپیماهای ترابری متوسط مقیاس^۱ C-130Js، هواپیماهای ترابری راهبردی C-17s، توپخانه سبک هایویتزر^۲، هواپیماهای بدون سرنشین، موتور جت، فناوری‌های ناو هواپیمابر، در دهه گذشته از ایالات متحده توانسته بر توانمندی دفاعی خود در مرزهای هیمالیا و همچنین اقیانوس هند بیفزاید. هندوستان در همین حال به منظور بومی‌سازی توانمندی ساخت تجهیزات با فناوری‌های پیشرفته، ابتکار عمل فناوری و تجارت دفاعی^۳ خود را از فرایند خریدار- فروشنده به الگوی توسعه مشترک و تولید مشترک در ۲۰۱۲ تغییر داده است. به دنبال این پشتیبانی‌های نظامی، هندوستان اکنون نخستین کشور پس از ایالات متحده در تجهیز به هواپیمای بازرسی دریایی P-8^۴ است. همچنین هواپیماهای بدون سرنشین گشت‌زنی^۵، فناوری‌های ناو هواپیمابر، برنامه نسل آینده هواپیماهای عمود پرواز^۶، جنگنده‌های F-16 و F-18 و تضمین نقل و انتقال فناوری‌های نظامی مانند سامانه ساخت هواپیمای الکترومغناطیسی^۷ و سوخت اتمی^۸ برای نخستین ناو هواپیمابر ساخت داخل «ویشال»^۱ و بسیاری دیگر

-
1. medium-transport aircraft
 2. light howitzer artillery
 3. Defense Trade and Technology Initiative (DTTI)
 4. P-8 maritime surveillance aircraft
 5. Guardian Unmanned Aerial Vehicle (UAV)
 6. the future vertical lift program
 7. Electro-magnetic Aircraft Launch Systems (EMALS)
 8. nuclear- propulsion

دیگر از سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته از جمله برنامه‌های در دست اقدام ایالات متحده در راستای تقویت توان نظامی و دفاعی هند به شمار می‌رود (Ali, 2017, p. 187).

۲-۱-۲. تأثیرات اقتصادی

اکنون هند پنجمین اقتصاد برتر دنیا است و انتظار می‌رود در ۲۰۵۰ به جایگاه دوم نائل آید. به منظور دستیابی به چنین هدفی، هندوستان نسبت به تقویت همکاری‌های اقتصادی خود با ایالات متحده و دیگر قدرت‌های برتر اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام کرده که در این میان ایالات متحده اهمیت بیشتری دارد. بنا بر آمارها، اکنون بیش از ۶۰۰ شرکت آمریکایی در هندوستان مشغول به کار هستند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در هندوستان در دو سال گذشته ۵۰۰ درصد افزایش یافته و تجارت دوجانبه به رکورد ۱۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است.

افزون بر این، افزایش همکاری‌های منطقه‌ای در جهت تقویت همگرایی‌های اقتصادهای منطقه با محوریت هندوستان در دستور کار رهبران هند و ایالات متحده قرار دارد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، ایالات متحده، ابتکار عمل «کریدور اقتصادی ایندوپاسیفیک» را با هدف پیشبرد ارتباط‌پذیری اقتصادهای منطقه و پیوند دادن هرچه بیشتر کشورهای منطقه از طریق شبکه‌های مالی - تجاری مبتنی بر توسعه پایدار در سال ۲۰۱۴ مطرح کرد. «بنگاه چالش هزاره»^۲ الگویی برای چگونگی اجرای این ابتکار عمل است. این برنامه مستند به آمار، مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری متقن برای فراهم‌سازی شرایط واقعی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در منطقه است. به باور رهبران آمریکایی، منطقه جنوب آسیا، امروزه یکی از ضعیف‌ترین اقتصادهای درهم‌تنیده دنیا است و تنها ۴ تا ۵ درصد از کل تجارت منطقه بین خود آن‌ها در جریان است که این خود زمینه را برای گسترش طلبی چین فراهم خواهد آورد (Madan, 2014)

1. aircraft-carrier Vishal

2. Millennium Challenge Corporation

با وجود اینکه هندوستان تلاش کرده تا از رقابت و گاه ستیز ایالات متحده در برابر چین بهره ببرد؛ در عین حال چندان هم نسبت به تقویت مناسبات امنیتی-تجاری-اقتصادی با آن کشور خوش بین نیست و با احتیاط وارد ائتلاف رسمی با آن کشور می شود. این مسئله دلیل عمده عدم نزدیکی هندی ها پیش از روی کار آمدن نارندا مودی در ۲۰۱۴ به شمار می رفت (Center for Policy Research, 2012, p 32).

در واقع هندی ها بر اساس منطق حاکم بر نظام بین الملل مبنی بر دائمی نبودن ائتلاف ها، در درجه نخست معتقدند که هرگونه اقدام برای ائتلاف با ایالات متحده و حتی ائتلاف های چندجانبه با کشورهای آسه آن مترادف با تلاش چین برای تنگ تر کردن حلقه محاصره کشورشان و همچنین واداشتن دیگر همسایگان به ویژه کامبوج، فیلیپین، تایلند و ویتنام به همراهی با آن کشور است. این امر، بالطبع پیچیده تر شدن معمای امنیتی هند را به همراه خواهد داشت. در این باره می توان به مقاله نشریه گلوبال تایمز، اشاره کرد که در آن با تحلیل توانمندی های هند و چین سرانجام به این نتیجه رسیده که «چین برای دردسرسازی برای هند از قابلیت بیشتری برخوردار است تا هندوستان برای آن کشور» (Xingchun, 2016).

همچنین در نیویورک تایمز «شن دینگلی»، تحلیلگر برجسته چینی در واکنش به تلاش ها برای ائتلاف سازی چهارجانبه هند، ژاپن، استرالیا و ایالات متحده، عنوان داشته که هندوستان از ترس مقابله به مثل چین، به این ائتلاف نخواهد پیوست! او می افزاید: «چین راه های بسیاری برای آزردهند در اختیار دارد. چین می تواند ناو هواپیمابر خود را به بندر گوادر پاکستان گسیل کند و بر دامنه تنش های هند و پاکستان بیفزاید» (Barry, 2016).

همچنین هندی ها بر این باور هستند که آمریکایی ها از دریچه چین به هندوستان می نگرند و به همین دلیل رفتار دوگانه ای را در روابط هند و چین در پیش گرفته اند. در همین راستا آن ها معتقدند که از یک سو آمریکایی ها آن ها را با

اصطلاحاتی همچون «تأمین‌کننده مطلق امنیت»^۱ یاد می‌کنند و از طرف دیگر علی‌رغم طرح عنوان «ایندوپاسیفیک» به جای «اقیانوس هند» و «آسیا-پاسیفیک»، از سوی خود آمریکایی‌ها، در بیانیه پایانی سفر اوباما به «پکن»، همان نام قدیمی «اقیانوس هند و آسیا-پاسیفیک» برای نامیدن منطقه به کار برده می‌شود (Prabhakar, 2014, a, pp. 6-9). آن‌ها رفتار دوگانه دونالد ترامپ در قبال سیاست چین واحد را نیز علی‌رغم خوش‌بینی نخستین، نشانه دیگری از استدلال خود عنوان می‌کنند.

موضوع دیگری که به بدبینی هندی‌ها در ژرفا بخشیدن و گستردگی مناسبات راهبردی خود با آمریکایی‌ها افزوده، میزان تعهد آمریکایی‌ها به ائتلاف با آن‌ها است. هندی‌های رئالیست، بر این باور هستند که نمی‌توان در سیاست بین‌الملل، دیگری را متحد دائمی دانست؛ از این رو، ممکن است در آینده با تغییر اولویت‌های کاخ سفید منافع ملی هند قربانی شود. در واقع، بدترین سناریو برای هندی‌ها می‌تواند همدمی آمریکایی‌ها و چینی‌ها باشد. به این معنا که چین همچنان به دشمنی با هندی‌ها ادامه داده و ایالات متحده به‌عنوان قدرت موازنه‌گر وارد عمل نشود. به باور تحلیلگران هندی، چین و ایالات متحده در فاز دوم جنگ سرد (۱۹۸۹-۱۹۷۱) متحد یکدیگر بوده‌اند. اکنون نیز آمریکایی‌ها ممکن است سرانجام در دادوستد راهبردی با چینی‌ها به‌ویژه در دریای چین جنوبی به تعامل برسند و دیگران و به‌ویژه هندی‌ها را وجه‌المصالحه خود قرار دهند. در چنین شرایطی، با تشدید تنش‌های هند و چین در موضوعاتی چون اختلافات مرزی، تبت، پاکستان، اکتشاف نفت در دریای چین جنوبی، ایالات متحده نمی‌تواند به‌عنوان قدرت موازنه‌گر وارد عمل شود. آن‌ها، سکوت اوباما در ماجرای اختلافات مرزی دو کشور در ۲۰۰۹-۲۰۰۸ و انصراف از همراهی در عملیات نظامی در ایالت «آراناچال»^۲ از ترس تحریک چین را شواهد ادعای خود می‌دانند (MaliK, 2016).

افزون بر موارد یادشده، اختلافات مالی، تجاری و سرمایه‌معنوی موضوع

1. net security provider

2. Arunachal

دیگری است که راه را برای برقراری روابط راهبردی و همچنین دسترسی به بازارهای بازرگانی یکدیگر میان هند و ایالات متحده دشوار ساخته است. در همین حال، حجم تجارت این دو کشور با چین نشان از واقعیت دیگری دارد. ایالات متحده سالانه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار با هندوستان تجارت دارد؛ حال آنکه تراز تجاری سالانه آن کشور با چین ۵۶۰ میلیارد دلار است. دادوستد تجاری چین با هندوستان نیز به گونه‌ای است که از سال ۲۰۰۸ تاکنون، چین بزرگ‌ترین طرف تجاری هندوستان به شمار می‌رود. بر اساس آمار اداره گمرک چین، در سال ۲۰۱۷ تجارت دوجانبه دو کشور رشد ۲۰,۳ درصد داشته و به ۸۴,۴۱ میلیارد دلار رسیده است (Alyssa Ayres, 2019). این پیچیدگی اقتصادی و تجاری این دو کشور با یکدیگر و با ایالات متحده هم‌زمان با مناسبات امنیتی درهم تنیده هند و ایالات متحده، نشان از شبکه تو در تویی از معادلات در سه ضلع مثلث دارد که به راحتی زمینه را برای مناسبات راهبردی هند و ایالات متحده در حوزه تجاری-مالی فراهم نخواهد آورد.

سرانجام اینکه، هویت تاریخی هندی‌ها برای داشتن استقلال راهبردی و همچنین بلندپروازی‌های قدرت‌طلبی، آن‌ها را از بازی کردن زیر پرچم ایالات متحده بازمی‌دارد. همان‌گونه که در دوران جنگ سرد نیز حکایت از آن دارد. برخلاف بریتانیا، آلمان و ژاپن در دهه ۱۹۵۰، اکنون هندوستان قدرتی رو به صعود است؛ نه رو به افول. آن‌ها این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا این استقلال راهبردی، هندوستان را مجاز خواهد کرد که همکاری راهبردی راستین خود را با ایالات متحده گسترش دهد. برخی دیگر سنت دیرینه عدم تعهدی را بخش چالش‌ناپذیر از هویت هندوستان دانسته و ضمن تأکید بر ضرورت بازگشت به آن، خواستار پرهیز این کشور از ورود به مجادلات قدرت‌های برتر شده‌اند (Madan, 2014).

در سوی دیگر ماجرا، آمریکایی‌ها با اینکه هندی‌ها را به نقش‌آفرینی بیشتر و سوسه کرده‌اند، بسیاری در ایالات متحده معتقدند که درباره ادعای هندوستان برای ایفای نقش جهانی اغراق شده است! پایه‌های مادی قدرت هند به لحاظ ناتوانی در انجام اصلاحات عمیق اقتصادی، مالیاتی، املاک و دارایی قوی و ایمن

نیست. حتی اگر بتواند در یک یا دو دهه، رشد اقتصادی بالای ۷ تا ۹ درصد داشته باشد، نمی‌تواند خود را به رشد اقتصادی چین برساند؛ چه برسد به اینکه بتواند نقش ارائه‌کننده امنیت منطقه‌ای را بازی کند! آن‌ها همچنین هویت تاریخی هندوستان در پیروی از سیاست عدم تعهد را عامل دیگری از عدم شایستگی بازیگری این کشور برمی‌شمارند. بر همین اساس، با توجه به اینکه هندوستان توان اراده بر عهده گرفتن هزینه‌های مدیریت موضوعات جهانی را ندارد و با توجه به اینکه سهم ایالات متحده از عواید همگانی جهانی رو به افول است، برخی از تصمیم‌گیرندگان آمریکایی بر این باور هستند که واشنگتن باید از هزینه‌های خود بکاهد و با پکن بر سر هژمونی مشترک به توافق برسد. آن‌ها معتقدند که اتحاد با هندوستان هزینه‌ها و خطرات بیشتری را نصیب ایالات متحده می‌کند. اتحاد راهبردی به این معنا است که ایالات متحده خود را متعهد به پشتیبانی از هندوستان در برابر پاکستان و چین خواهد کرد، حال آنکه ایالات متحده چنین توانمندی‌ای نخواهد داشت (Malik, 2016).

از سوی دیگر، به لحاظ تنوع موضوعات در مناسبات امنیتی هند و چین، سیاست ایالات متحده در قبال آن‌ها باید مبتنی بر منافع ملی خویش منعطف و متنوع باشد؛ چراکه، در صورت به هم خوردن روابط هند و چین ممکن است بی‌ثباتی در منطقه ایندوپاسیفیک حاکم شود و با به خطر افتادن منافع راهبردی ایالات متحده، ناگزیر به نزدیکی با یکی از آن‌ها و برقراری موازنه شود. در همین حال، گرمی بیش از حد روابط هند و چین نیز بالقوه چالش‌هایی را برای واشنگتن در سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی به بار خواهد آورد (Madan, 2014).

بنابراین در مجموع هر دو کشور هند و ایالات متحده خواستار روابط متعادل از سوی دیگری با ضلع سوم مثلث، چین هستند به این معنا که هندوستان گرمی روابط میان آن دو را مترادف با کاسته شدن منافع ملی خود می‌داند و انگیزه آمریکایی برای داشتن روابطی گرم با هندوستان را فرو می‌کاهد. در مقابل بحران و یا درگیری میان چین و ایالات متحده بالقوه منطقه را به بی‌ثباتی می‌کشاند و هندوستان را وادار به انتخاب یکی از آن دو می‌کند (Madan, 2014).

۲-۲. روابط چین و هندوستان

چین و هندوستان تا دو دهه پیش در زمره رهبران و پشتیبانان سیاست عدم تعهد در نظام بین‌الملل به شمار می‌رفتند؛ ولی در سال‌های اخیر این دو کشور با دگرگونی در رفتارهای خارجی خود سیاست بازیگری و نقش‌آفرینی مستقیم در مناسبات بین‌الملل را در پیش گرفته و موجب پیچیدگی معمای امنیت در منطقه ایندوپاسفیک شده‌اند. معماری امنیتی حاکم بر مناسبات پیچیده چین و هندوستان را می‌توان در گفته‌ای از «ژنگ یان»^۱ دیپلمات ارشد بازنشسته چینی سراغ گرفت؛ به باور او، آن‌ها دو قدرت منطقه‌ای نو‌پیدایی هستند که در یک زمان، در یک قاره و در یک محدوده دریایی مشترک در پی به دست آوردن یک امر مشترک هستند؛ رقبای خطرناکی که به دوران «صلح سرد»^۲ پا می‌گذرانند (Lawrence. "a", 2014: 6-7).

در شرایط کنونی، چین در حوزه‌های گوناگون بر هندوستان چیرگی دارد و از این رو با نگاهی از بالا به پایین، نسبت به توسعه همکاری‌های هندوستان با دیگر کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای تا زمانی سیاست صبر و احتیاط را دنبال می‌کند که حوزه نفوذ و بازیگری آن را تحت تأثیر قرار نداده، موازنه قوا را به نفع خود تغییر ندهد. چین حتی کوشیده با ارائه بسته‌های تشویقی ۲۰ میلیارد دلاری و حتی بیشتر به هند در جریان سفر «پینگ» به دهلی نو در ۲۰۱۵، این کشور را در حوزه قلمرو خویش قرار دهد (Malik, 2016). بر همین اساس، سطح همکاری میان آن‌ها در موضوعات بین‌المللی و منطقه‌ای به دلیل حساسیت‌های متقابل محدود است. حمایت از کشورهای جهان سومی در تحولات بین‌المللی، همکاری در سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول و برخی دیگر نهادهای بین‌المللی و همچنین موضع انتقادی مشترک نسبت به رفتارهای یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده در نظام بین‌الملل در مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و اعمال تحریم‌ها علیه کشورهایی همچون ایران از جمله این موارد است؛ اما همان‌گونه که عنوان شد، به دلیل گستردگی و ژرفای کم این همکاری‌ها،

1. Zhang Yan

2. Cold Peace

مواضع مشترک آن‌ها، تأثیر چندانی در سطح کلان روابط دوجانبه و همچنین در برابر ایالات متحده ندارد (Bronson, 2013, p 14).

در مقابل سطح رقابت‌ها و گاه تنش‌های مرزی و خط‌ونشان کشیدن‌های دو طرف برای یکدیگر، به گونه‌ای است که هر کدام با احتیاط و حزم‌اندیشی رفتارهای دیگری را زیر نظر گرفته‌اند. از یک سو، چین به پشتوانه اقتصاد شکوفا و برتر و همچنین چیرگی دریایی، حضور و یکه‌تازی سنتی ایالات متحده در منطقه را برای افزون‌خواهی‌های خود دست‌وپا گیر می‌داند و درصدد اعمال فشار برای خروج آن از منطقه است و از سوی دیگر، هندوستان با احساس خطر از امکان محاصره راهبردی توسط چین، دست یاری به سوی ایالات متحده دراز کرده و کوشیده است تا از احساس خطر مشترک در جهت مهار آن اقدام کند. به عبارتی دیگر، چین ایالات متحده را به‌عنوان قدرتی هژمونیک می‌بیند و آن را متهم می‌کند که در حال پیگیری سیاست مهار است. هندوستان نیز چین را به چشم قدرت هژمونیک و کشوری توسعه‌طلب می‌بیند و آن را متهم می‌کند که به‌گونه‌ای فرصت‌طلبانه مانع از رشد و بالندگی هندوستان شده است، حال آنکه در انظار عمومی از گسترش روابط دوجانبه استقبال می‌کند. در چنین شرایط پیچیده‌ای، معمای تنگه «مالاکا» در چین با «معمای تنگه هرمز»^(۲) هندوستان در رقابت است. اگر نیروی دریایی چین در حال گسیل شدن به سمت جنوب است، نیروی دریایی هند عزم آب‌های شرق کرده است. دهلی‌نو در گام بعدی، از واشنگتن خواهد خواست تا از روابط راهبردی دوجانبه برای تقویت جایگاه هند در برابر چین و کاهش تهدیدات دشمن دیرینه خود یعنی پاکستان استفاده کند؛ اما اینکه ایالات متحده چگونه رفتار خواهد کرد، به میزان توجه این کشور در حفظ تعادل مثلث امنیتی بستگی دارد (Bronson, 2013, p14).

از آنجایی که میدان نبرد همچون جنگ اول و دوم جهانی، فرسنگ‌ها دورتر از مرزهای آبی ایالات متحده است، بالطبع در صورت بالا گرفتن دامنه تنش‌ها میان دو قدرت نوظهور، ایالات متحده می‌تواند در مصالحه با چین، هندوستان را قربانی خواسته‌های خود در ایندوپاسیفیک کرده و پیروز میدان شود. این همان

نکته‌ای است که پژوهشگر چینی به آن اشاره کرده است. او معتقد است «هندوستان به آن اندازه قوی نشده است که بتواند بر روابط ایالات متحده و چین تأثیری بگذارد» (Zhang, 2005).

دهلی‌نو با لحاظ ابتکار کمربند و راه چین، ناچار است میان چین که روزبه‌روز در حال پیشرفت و تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی حمل‌ونقل، ترانزیت، دفاعی و ... در کشورهای منطقه است و ایالات متحده، بزرگ‌ترین تأمین‌کننده امنیت در منطقه، موازنه ایجاد کند. انجام چنین مأموریتی برای هندوستان در شرایطی که چین بارها وارد رویارویی مستقیم با ایالات متحده در موضوعاتی چون دریای چین جنوبی شده است، دردسرساز خواهد بود. چین به شدت در حال به‌روزرسانی توان نظامی و ساخت جزایر مصنوعی در دریای چین جنوبی و همچنین استقرار پایگاه‌های نظامی حتی در مناطق دورافتاده همچون جیبوتی است تا بتواند امنیت و نفوذ خود را در منطقه ایندوپاسیفیک حفظ و توسعه اقتصادی خویش را تداوم بخشد. ایالات متحده نیز در پی یافتن دوستان و متحدان جدیدی در منطقه است تا بتواند هزینه‌های امنیت منطقه را تأمین نماید و در پی راه انداختن شبکه اقتصادی فراملیتی شبیه «همکاری ترانس پاسیفیک»^۱ است تا بتواند هم‌تراز با گفت‌وگوهای تحت رهبری چین برای چارچوب ابتکارعمل «همکاری جامع اقتصادی»^۲ اقدام کند.

در واقع چین و هندوستان هیچ‌کدام عضو همکاری ترانس پاسیفیک نیستند و ایالات متحده نیز از آن خارج شده است. در همان حال که چین در حال هدایت گفت‌وگوها برای راه‌اندازی ابتکارعمل همکاری جامع اقتصادی بوده و هندوستان نیز کاملاً در آن مشارکت داشته است، سناریوی جالبی برای کشورهای منطقه فراهم می‌شود، جایی که ایالات متحده، تأمین‌کننده نخست امنیت در منطقه، در حال ساخت شبکه اقتصادی است و چین تأمین‌کننده نخست مالی، در حال تقویت توانمندی نظامی خویش است (Prabhakar, 2014a, pp 50-51).

1. Trans- Pacific Partnership (TPP)

2. Comprehensive Economic Partnership (RCEP) initiative

نتیجه گیری

ایالات متحده درصدد است تا در منطقه ایندوپاسیفیک که مؤلفه‌های نظام هژمونیک این کشور به خطر افتاده است، خیزش دو قدرت نوظهور چین و هندوستان و به‌ویژه چین را مدیریت کند؛ زیرا سودای رهبری و برپایی نظامی هژمونیک به سبکی متفاوت با ایالات متحده دارد. چین با کاربست راهبرد «واگذاری امور آسیا به مردم آسیا» در چارچوب ابتکار کمربند و راه در تلاش است تا با توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی، انرژی، مالی و تجاری کشورهای مسیر شرق به غرب، رفته‌رفته حوزه نفوذ و بازیگری خود را در برابر ایالات متحده گسترش دهد و هژمونی نظام لیبرالی را با چالشی بنیادی روبه‌رو سازد. این موضوع بالطبع نگرانی‌های امنیتی و راهبردی را برای رقیب منطقه‌ای آن، هندوستان، بالا برده است. در این فرآیند، ایالات متحده درصدد برآمده تا با برقراری پیوند بین دو منطقه اقیانوس هند و پاسیفیک از رهگذر همکاری با هند به مقابله با تهدیدات بلندپروازانه چین بپردازد.

بر همین اساس، در فضای سه‌قطبی یا مثلث‌گونه امنیتی منطقه ایندوپاسیفیک، هندوستان و ایالات متحده، دو قدرتی که از جانب چین به‌عنوان رقیبی مشترک مورد تهدید قرار گرفته‌اند، در توافقی نانوشته گرد هم آمده‌اند؛ هر چند در میزان تعامل با یکدیگر ملاحظاتی دارند.

افزون بر همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، تجاری، مالی و امنیتی، هند و ایالات متحده همکاری‌های چندجانبه را ترتیب داده‌اند تا راه را برای افزون‌خواهی‌های چین ببندند و نوعی ائتلاف دریایی را به وجود آورند که چینی‌ها از آن با عنوان «ناتوی آسیایی»^۱ یاد می‌کنند.

چین نیز با کاربست رویکرد رشته‌های مروارید در چارچوب ابتکار کمربند و راه در تلاش است با سرمایه‌گذاری در کشورهای گوناگون مسیر شرق به غرب در دریا و خشکی و همچنین استقرار نیروی دریایی خود در بندرهای واقع در ایندوپاسیفیک تا شاخ آفریقا ضمن تأمین امنیت مسیر دریایی ترانزیت کالا و انرژی مورد نیاز خود، به

1. Asian NATO

تقویت پشتوانه‌های امنیتی خویش در برابر اتحاد هند و ایالات متحده اقدام کند و معماری امنیتی آینده منطقه را به نفع خویش سامان دهد. در برابر چنین راهبردی، ایالات متحده آمریکا سیاست رقابت- همکاری را در قبال چین اتخاذ کرده است؛ زیرا باور دارد که نیاز متقابل این سه قدرت در حوزه‌های مشترکی همچون تروریسم، دزدی دریایی، تهدیدات زیست‌محیطی و همچنین وابستگی در حوزه‌های تجاری، مالی و اقتصادی به یکدیگر نیازمند ترکیبی از همکاری- رقابت خواهد بود.

بر این اساس چین از همگرایی هندوستان با ژاپن و ایالات متحده در مثلث امنیتی ایجادشده برای مهار خود احساس خطر می‌کند و در مقابل، هندوستان از اتحاد چین و ایالات متحده که منجر به مهار رشد آن کشور شود یا ایالات متحده حوزه نفوذ چین را در منطقه ایندوپاسیفیک به رسمیت بشناسد نگران است. در عین حال، تنش در روابط ایالات متحده- چین، سبب می‌شود تا هندوستان نقشی موازنه‌گر را در این مثلث بازی کند؛ اما در صورت وقوع تنش در روابط هند و چین، موضع‌گیری ایالات متحده سرنوشت‌ساز خواهد بود.

به این ترتیب اینکه هندوستان وارد اتحاد نرم یا سخت^۱ با ایالات متحده یا ژاپن شود بر تصمیم چین برای موضع‌گیری بر سر رشد هندوستان تعیین‌کننده خواهد بود. با عنایت به نزدیکی هند و ایالات متحده، پیشرفت و توسعه هندوستان موجب مهار چین در منطقه ایندوپاسیفیک خواهد شد و هژمونی ایالات متحده بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای مشترک برای مدتی تداوم خواهد یافت. حال آنکه هندوستان ضعیف و منزوی منطقه ایندوپاسیفیک را به آستانه نظم و صلح چینی سوق خواهد داد.

پیچیدگی منافع مشترک اقتصادی از یک‌سو و منافع راهبردی رقابت‌پذیر و درگیر با هم از سوی دیگر، تنوعی از آینده‌های ژئوپلیتیکی جایگزینی را ارائه می‌کند که تأثیرات مهمی بر نقش‌آفرینی ایالات متحده در منطقه ایندوپاسیفیک خواهد داشت. از این رو، ایالات متحده برای مقابله با افزون‌خواهی چین، راهبرد موازنه‌سازی قدرت را در منطقه پیش گرفته، تلاش دارد معماری امنیتی آینده منطقه را بر اساس ثبات هژمونیک و در چارچوب یکی از دو راهبرد موازنه قوای

1. soft or hard alignment

هند در برابر چین یا برقراری نظام امنیت دسته جمعی مبتنی بر هم‌نوا سازی چین و هند با سیاست‌های قدرت هژمون تنظیم کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. هندوستان با دارا بودن تولید ناخالص داخلی با رقم نزدیک به ۲,۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۸ در رتبه پنجم بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا قرار گرفت. این کشور در همان سال نزدیک به ۵۳ میلیارد دلار در حوزه نظامی هزینه کرده که باز هم رتبه پنجم دنیا را به خود اختصاص داده است. ناوگان دریایی هندوستان نیز در ۲۰۳۰ یکی از پنج قدرت برتر دریایی دنیا خواهد بود. همچنین برآورد می‌شود، هندوستان در ۲۰۵۰ احتمالاً به جایگاه دومین اقتصاد بزرگ جهان دست یابد و انتظار می‌رود جمعیت هندوستان با میانگین ۲۵ ساله، در دهه بعد از چین پیشی بگیرد؛ امری که سبب تغییر در سیاست تک‌فرزندی در چین در نوامبر ۲۰۱۳ شده است. نک به:

Defining Our Relationship with India for the Next Century: An Address by U.S. Secretary of State Rex Tillerson 2,017; China reforms: One-child policy to be relaxed 2013; With an Expenditure of \$52.5 Billion, India Is Now 5th Largest Defense Spender in the World 2018.

۲. چین بنا بر رویکرد رشته دانه‌های مروارید، در صدد است با گسترش حضور خود در مناطق دریایی گوناگونی به گستردگی شاخ آفریقا تا شرق ایندوپاسیفیک، جایگاه راهبردی خود را در چارچوب راه ابریشم دریایی سده بیست و یکم در منطقه ایندوپاسیفیک مستحکم کند. در چارچوب این رویکرد، چین با اجاره ۴۰ ساله بندر گوادر پاکستان، افزون بر دسترسی مناطق غربی کمتر توسعه‌یافته خود به آب‌های آزاد، بر کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌های در رفت‌وآمد بر تنگه هرمز نظارت راهبردی خواهد یافت و منجر به شکل‌گیری «معمای تنگه هرمز» برای هندوستان خواهد شد. از این رو توسعه بندر چابهار ایران راه‌گیزی از این معما دانسته می‌شود.

منابع

- جلالی، رضا (۱۳۸۸). چیستی و مصادیق نظریه ثبات هژمونیک. مجله دانشنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. ص ص. ۷۷-۵۳.
- رائی تهرانی حبیب (۱۳۸۸). نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی. کتاب ماه علوم اجتماعی. (۱۶). صص ۱۰۸-۹۹.
- ساعی، احمد و پیلتن، فرزاد (۱۳۹۰). نظریه ثبات هژمونیک، اقتصاد جهانی و تجارت چندجانبه. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. (۱۶) صص ۱۰۶-۹۱.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۵): ثبات هژمونیک در استراتژی اقتصادی- امنیتی آمریکا. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۹ (۴). صص ۸۹۹-۸۵۷.
- گیلپین، رابرت (۱۳۸۷). اقتصاد سیاسی جهانی، درک نظم اقتصاد بین الملل. مترجمان: مهدی میرمحمدی و دیگران. ویراست دوم. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- مهدیزاده، سید محمد (۱۳۷۹). مطالعات فرهنگی: رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو. فصلنامه رسانه. ۱۱ (۱). صص ۲۵-۲۲.
- Ali S. Mahmud (2017), *US-Chinese Strategic Triangles Examining Indo-Pacific Insecurity*, Kuala Lumpur, Malaysia.
- Center for Policy Research (2012), *Nonalignment 2.0: A Foreign and Strategic Policy For India in the Twenty First Century*, Delhi.
- Feigenbaum, Evan A, (2010), *India's Rise, America's Interest, The Fate of the U.S. – Indian Partnership*, Foreign Affairs.
- Gilpin Robert (1981), *War and Change in World Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gilpin Robert, (1987) *The Political Economy of International Relations* Princeton: Princeton University Press.
- Guihong Zhang (2005), *U.S. India Strategic Partnership: Implications for China*, -International Studies 1, 2, 3, New Delhi, Thousand Oaks.
- Lawrence S. Prabhakar (a) (2014), *the emergent Vistas of the Indo-Pacific*, in

Rajiv K. Bhatia and Vijay Sakhuja (ads), Indo-Pacific Region: Political and Strategic Prospects, New Delhi: Vij Books, pp. 80-98.

Lawrence S. Prabhakar (b) (2014), *'India's evolving Security relations and Partnerships in the Indo-Pacific'*, in David Michel and Ricky Passrrelli (eds.), Sea Change, Stimson Centre, Washington D.C., December, pp. 45-60

USAID (2017), *Facilitating Regional Connectivity in South Asia*. Indo-Pacific Economic Corridor Final Report.

Websites:

Alyssa Ayres (2019), *The U.S. Indo-Pacific Strategy Needs More Indian Ocean*, Council on Foreign Relation, January 22, available at: <https://www.cfr.org/expert-brief/us-indo-pacific-strategy-needs-more-indian-ocean>

Bronson Percival (2013), China, India and the United States: Tempered rivalries in Asia, December, available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/175751/Policy%20Brief%20-%202013-12-31%20-%20China,%20India%20and%20the%20United%20States.pdf>

Barry Ellen 2016, U.S. Proposes Reviving Naval Coalition to Balance China's Expansion, New York Times, March 2, available at: https://www.nytimes.com/2016/03/03/world/asia/us-proposes-india-naval-coalition-balance-china-expansion.html?_r=0

China reforms: One-child policy to be relaxed 2013, UK: BBC, 15 November 2013, With an Expenditure of \$52.5 Billion, India Is Now 5th Largest Defense Spender in the World 2018, India Times, February 15, 2018, available at: <https://www.indiatimes.com/news/india/with-an-expenditure-of-52-5-billion-india-is-now-5th-largest-defence-spender-in-the-world-339742.html>.

Defining Our Relationship with India for the Next Century: An Address by U.S. Secretary of State Rex Tillerson (2017), Center for Strategic & International Studies, October 18, 2017, available at: <https://www.csis.org/analysis/defining-our-relationship-india-next-century-address-us-secretary-state-rex-tillerson>

Long Xingchun (2016), *S. China Sea patrols bring no benefit to India*, 25 Feb., available at: www.globaltimes.cn/content/970471.shtml

- Malik Mohan (2016), *Balancing Act: The China-India-U.S. Triangle*, World Affairs, Spring available at: <http://www.worldaffairsjournal.org/article/balancing-act-china-india-us-triangle>
- Luft Gal (2016), *It Takes a Road; China's One Belt One Road Initiative: An American Response to the New Silk Road*, Institute for the Analysis of Global Security, NOVEMBER, available at: www.iags.org
- Madan Tanvi 2014, *The U.S.-India Relationship and China*, Brookings, Tuesday, September 23, available at: <https://www.brookings.edu/research/the-u-s-india-relationship-and-china/>
- Press Information Bureau of Ministry of Defense* (2016), India and the United States Sign the Logistics Exchange Memorandum of Agreement (LEMOA), August 30, available at: <http://pib.nic.in/newsite/mbErel.aspx?relid=149322>.